

عدل شبکه‌ای توصیف و تبیینی از عدالت با اقتباس از مبانی معرفتی اسلام (پیشنهادی برای «نظریه پایه در حیطه‌های مختلف عدالت»)

عبدالحمید واسطی

استادیار گروه منطق فهم دین پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

hvaseti@yahoo.com

چکیده

مسئله این مقاله، دستیابی به دستگاه معرفتی تولیدکننده تعریف عدل، شاخص‌ها و معادلات عدالت‌ورزی است. در این مقاله، با ابتدا بر «پارادایم شبکه‌ای» و «روش تحقیق شبکه‌ای» و «بسته مفاهیم بنیادین»، که هر سه متخذ از دیدگاه معرفتی اسلام است، تعریفی از عدالت ارائه شده و با رویکرد سیستمی و توجه به مقیاس «شبکه هستی»، نقطه شروع فرایند «تحقق عدالت»، هسته مرکزی، و راهبرد حاکم بر فرایند و مراحل آن به صورت قدم به قدم، در قالب یک دستگاه آکسیوماتیک عرضه شده است.

براساس این تحلیل، عدالت عبارت است از: «نسبتی میان نیازها و امکانات، که منجر به زمینه‌سازی برای رشد در مقیاس شبکه هستی شود» و نظریه «عدل شبکه‌ای» یعنی تعیین معادله مطلوبیت در مقیاس شبکه هستی، به طوری که برآیند پنج مؤلفه مطلوبیت جسمی، فکری و روحی، محیطی، جمعی و مطلوبیت پایدار (با میل به پایداری بی‌نهایت) باشد؛ و مراحل تحقق عدالت عبارت‌اند از: تشخیص نیاز (در مقیاس شبکه هستی) ← تشخیص امکانات (در مقیاس شبکه هستی) ← تعیین زمینه لازم برای استفاده از امکانات به جهت رفع نیاز (تحقق

رشد) ← تعیین نسبت میان نیازها و امکانات (تعریف معادله حرکت)، براساس مطلوبیت پنج محوره عدل شبکه‌ای.

کلیدواژه‌ها: شبکه هستی، پارادایم شبکه‌ای، مدل نیازها، هویت رشد، هویت عدالت، عدل شبکه‌ای.

مقدمه

به نظر شما چرا طبیعت، زندگی، نظام کهکشانی و شبکه هستی باوجود فراوانی تعارض‌ها و تراحم‌ها متلاشی نمی‌شود؟! حتی در پیچیدگی‌های آشوب‌وار، پایداری و ماندگاری وجود دارد؛ پایداری‌ای که تلاش برای توضیح آن «نظریه آشوب»^۱ را در علم ایجاد کرد؛ یعنی نمی‌توان آشوب ظاهری را دلیل بی‌نظمی و تصادفی بودن دانست بلکه به دلیل حساسیت بالای متغیرها در آن پدیده، معادلات حرکت در آن پدیده پنهان شده‌اند.

نتیجه اولیه اینکه متغیرهای متعادل‌کننده‌ای در کل هستی فعال‌اند و تمام پدیده‌ها، درصورت حذف این متغیرهای متعادل‌کننده، متلاشی خواهند شد.

نتیجه ثانویه اینکه هستی براساس عدل و تعادل‌سازی، به حرکت و زندگی ادامه می‌دهد. در این مقاله کوتاه، به بررسی دستگاه معرفتی^۲ تولید معادلات تأمین‌کننده عدالت و خروجی

۱. نظریه آشوب (chaos theory) شاخه‌ای از علم ریاضی است که به بررسی سیستم‌های بسیار پیچیده‌ای می‌پردازد که در خروجی آنها، با اعمال تغییرات کوچک (و ظاهراً قابل اغماض)، تغییرات بزرگی حاصل می‌شود؛ به بیان دیگر، پدیده‌هایی اتفاقی که تاکنون با عجز و ناتوانی، دلیلی برای آنها نمی‌یافتیم، به کمک نظریه آشوب توجیه می‌شوند، نظریه آشوب، پدیده جدیدی نیست. قانون علت و معلول در آن پابرجا است، فقط با ابزارهایی متفاوت، علت‌های بسیار بیشتری را برای یک معلول بررسی می‌کند. اگر فقط ذره‌ای در هر سوی این بازه جابه‌جا شود همه چیز به بی‌نهایت می‌رود! یک بار به هم خوردن بال‌های یک پروانه کافی است تا شما با یک رفتار آشوب‌گونه روبه‌رو شوید. در هر بی‌نظمی، نظم نهفته است به این معنا که نباید نظم را تنها در یک مقیاس جست‌وجو کرد. پدیده‌ای که در مقیاس محلی، کاملاً تصادفی و غیر قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد در مقیاس بزرگ‌تر، کاملاً پایا و قابل پیش‌بینی است (ر.ک.: دانایی فرد و الوانی، ۱۳۸۱).

۲. دستگاه معرفتی: نظام آگزومیاتیک؛ یعنی یک سیستم منطقی داشته باشیم که شامل تعدادی آگزوم (Axiom) و قواعدی برای استنتاج گزاره‌ها از آگزوم‌ها باشد. دستگاه‌های آگزومیاتیک، موجه ولی ناتمام هستند (قضیه ناتمامیت گودل در ریاضی). یعنی به علت محدودیت در کشف آگزوم‌ها و قواعد انتاج، نمی‌توان مطمئن شد که تمام پدیده‌های قابل انتاج از این دستگاه، به صورت «تورم»‌ها قابل دستیابی هستند (ر.ک.: لاریجانی، ۱۳۸۳).

در یک نظام آگزومیاتیک به دو نکته باید توجه داشت:

الف - منطقی بودن اشتقاق که باید شروط زیر رعایت شود:

۱. شرط عاری بودن از نقض: یعنی کلیه آگزوم‌ها و تنورم‌ها باید طوری باشند که یکدیگر را نقض نکنند.

۲. شرط ناوابستگی: آگزوم‌ها نباید به یکدیگر وابسته باشند به طوری که یک آگزوم خود از آگزوم‌های دیگر

آن که هویت «عدل» و مدل «عدل شبکه‌ای» و معادلات پایه برای عدالت‌ورزی است می‌پردازیم؛ بنابراین:

مسئله اصلی این مقاله این است که دستگاه معرفتی توصیف‌کننده «عدالت در مقیاس شبکه هستی» و تولیدکننده شاخص‌ها و معادلات عدالت‌ورزی چگونه است؟
 مأموریت مقاله، ارائه نظریه‌ای خاص برای یک حیطه از حیطه‌های عدالت مانند «عدالت اقتصادی»، «عدالت اجتماعی»، «عدالت جنسیتی» و... نیست، بلکه تلاش آن دستیابی به نظریه‌ای پایه (نظریه راهنما)^۱ برای نظریه‌پردازی در کل حیطه‌های عدالت است. تعاریف و دیدگاه‌های مختلفی درباره عدل^۲ ارائه شده است (جهانیان ۱۳۸۹: ص ۱۰۳)، از سابقه بسیار زیاد بحث درباره عدالت، به موارد زیر اکتفا می‌شود:

قال الصادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَتْرُكْ شَيْئاً مِنْ صُنُوفِ الْأَمْوَالِ إِلَّا وَقَدْ قَسَمَهُ وَ أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ الْخَاصَّةَ وَالْعَامَّةَ وَالْفُقَرَاءَ وَالْمَسَاكِينَ وَ كُلَّ صِنْفٍ مِنْ صُنُوفِ النَّاسِ؛ لَوْ عَدِلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَعْنَوْا؛ إِنَّ الْعَدْلَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ لَا يَعْدِلُ إِلَّا مَنْ يُحْسِنُ الْعَدْلَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ص ۵۴۲). ترجمه: «خداوند برای تمام امکاناتی که در اختیار بشر قرار داده است، حساب و کتابی معین فرموده و برای هر کسی، حق او را مشخص کرده است (چه نخبگان، چه عموم مردم، چه فقرا و مساکین، و دیگر اقشار اجتماعی)؛ به طوری

استنتاج شده باشد.

۳. شرط کفایت: تعداد آگزیوم‌ها باید برای استنتاج مورد نظر کافی باشد.
 ۴. شرط بیهودگی: از یک نظام آگزیوماتیک نباید گفتارهایی اضافه بر آنچه برای استنتاج مورد نیاز است وجود داشته باشد، به علاوه هیچ گفتار اضافی که با دیگر گفتارها رابطه‌ای نداشته باشد به عنوان جزئی از این آگزیوماتیک پذیرفته نمی‌شود.
- بد هرگاه بتوان اثبات کرد که در یک تئوری قیاس (نظام آگزیوماتیک) تئورم‌های استنتاج شده از آگزیوم‌ها با واقعیت تطبیق ندارد آنگاه آن تئوری رد و ابطال می‌شود (پوپر کارل ۱۳۷۰، منطق اکتشاف علمی، تهران، انتشارات سروش: صص ۷۷-۷۵؛ با استفاده از راهنمایی جناب شهرام سیروس در نوشتار «گفتگوهای در باب جامعه‌شناسی ایران و جهان». استفاده از نظام آگزیوماتیک، به معنی پذیرش پارادایم اثبات‌گرایی (پوزیتویستی) نیست، به معنی خطی و استاتیک نگاه کردن به موضوع هم نیست، بلکه به دلیل «مبنای‌گرایی» در مبانی معرفت‌شناسانه و به دلیل «تبعیت ارزش‌ها از دانش‌ها، تبعیت اعتبارها از واقعیت، تبعیت تشریح از مصالح و مفاسد واقعی» از این نظام منطقی که براساس منطق پایه مشترک بشری است استفاده شده است.

۱. «نظریه راهنما»، نظریه‌ای واسط میان مبانی معرفتی و مدل عملیاتی است که تعیین‌کننده نوع ورودی‌ها، نوع شاخص‌های خروجی، جهت‌گیری پردازش و نقطه شروع پردازش است (توصیف دیگری از نظریه راهنما را در مقاله خاکبان، ۱۳۹۲: ص ۲ ملاحظه فرمایید).

۲. مانند موزون بودن، تساوی و رفع تبعیض، رعایت حقوق و رعایت استحقاق‌ها (ر.ک.: مقاله جهانیان، ۱۳۸۹: ص ۱۰۳).

که اگر بین مردم عدالت جاری می‌شد همه بی‌نیاز می‌شدند، حَقاً که عدالت شیرین‌تر از عسل است و البته جز کسی که دانش و روش عدالت‌ورزی را بداند کسی نمی‌تواند عدالت را جاری کند».

ارسطو در کتاب سیاست، مفهوم برابری مطلق را در مقابل واژه عدالت نمی‌پذیرد و می‌نویسد: «همهٔ مردمیان به هر تقدیر تصویری از دادگری دارند، ولی تصورشان کامل نیست و از بیان کامل چگونگی دادگری مطلق ناتوان هستند، مثلاً گروهی برآنند که دادگری همان برابری است و به‌راستی هم چنین است، ولی برابری نه برای همه، بلکه برای کسانی که با یکدیگر برابر باشند، دادگری است. گروه دیگر عقیده دارند که دادگری در نابرابری است و باز این سخن درست است ولی نابرابری نه برای همه، بلکه برای مردم نابرابر، عین عدل است... مفهوم دادگری نسبی است و نسبت به اشخاص فرق می‌کند و توزیع چیزها وقتی دادگرانه است که ارزش همه چیز متناسب با ارزش کسی باشد که آن را دارا شده است» (ارسطو، ۱۳۳۷: ص ۱۲۱).

برخی عالمان اخلاق، عدالت را «انقیاد عقل عملی در مقابل عقل نظری» یا «سیاست‌کردن قوه غضب و شهوت» دانسته‌اند (نراقی، ۱۳۸۳ق: ص ۵۱).
مرحوم علامه طباطبایی رضوان الله تعالی علیه چنین نوشته‌اند:

«حقیقت عدل برپاداشتن مساوات است و برقراری موازنه بین امور، به طوری که هر چیزی سهم مورد استحقاق خویش را داشته باشد و همهٔ امور، در جایگاه مستحق خویش قرار گیرند. پس عدل در اعتقاد، آن است که به حق ایمان آورد و عدل در افعال فردی آن است که به آنچه سعادت او را تأمین می‌کند، عمل کند و از آنچه موجب تیره‌روزی او است اجتناب کند. عدل در میان مردم آن است که هر شخصی را در جایگاه مورد استحقاق عقلی، شرعی و عرفی آن قرار دهد» (علامه طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۲: ص ۳۵۳).

برخی کتب و مقالات دربارهٔ عدالت نیز عبارت‌اند از: کتاب «مبانی نظری عدالت اجتماعی» حسین توسلی، «عدالت و کارایی» حسین عیوضلو، «نقد و بررسی نظریه‌های عدالت» احمد واعظی، «طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت اجتماعی» علی اصغر پورعزت، مقاله «نظریهٔ جامع عدالت» ناصر جهانیان، «بررسی جامع مفهوم عدالت از دیدگاه اسلام» حمید حاجی حیدر، «مفهوم و ماهیت عدالت اجتماعی با رویکرد اسلامی» سیدرضا حسینی.

این تحقیق با رویکرد «منطق گزاره‌ای» و ابزار «تحلیل مفهومی» شکل گرفته است. توجه شود که: این مقاله، جهت‌گیری مطالعهٔ کتابخانه‌ای یا میدانی ندارد.

تعریف مفاهیم اصلی مقاله و مقصود مؤلف از این اصطلاحات، به شرح زیر است: شبکه هستی: اشاره به کل «عالم وجود» با روابطی که میان موجودات برقرار است (رویکرد فلسفی).

مقیاس شبکه هستی: بررسی یک پدیده در موقعیتی که با کل عالم وجود ارتباط برقرار کرده است. انسان شبکه‌ای: زاویه دیدی به انسان که انسان را در موقعیت ارتباط با کل شبکه هستی بررسی می‌کند.

معادلات در شبکه هستی: نحوه اثرگذاری و اثرپذیری موجودات در یکدیگر (در مقیاس شبکه هستی).

حکمت متعالیه: رویکردی فلسفی در هستی‌شناسی که توانست وحی الهی و شهود عرفانی را به زبان برهان ارائه دهد.

پارادایم شبکه‌ای: زیرساخت‌های فکری و روشی که براساس دید حکمت متعالیه به شبکه هستی تنظیم شده است.

روش تحقیق شبکه‌ای: فرایند تشخیص متغیرها و روابط میان آنها در مقیاس شبکه هستی.

اصول موضوعه (آگزایوم‌ها): قضایای منطقی که به‌عنوان پیش فرض در بحث و گفت‌وگو از یک نظریه، موردپذیرش قرار می‌گیرند (مبادی تصدیقی).

دستگاه معرفتی-محاسباتی: مجموعه اصول موضوعه و مفاهیم پایه و روش استنتاج که یک نظریه را تولید می‌کنند.

قضیه (تئورم): گزاره‌های منطقی که از یک دستگاه معرفتی-محاسباتی به‌دست می‌آیند.

معادله: تنظیم متغیرها و روابط بین آنها به‌گونه‌ای که سبب برقراری نوعی توازن شود.

محاسبه (فرمول): ارائه معادله‌ای برای دستیابی به نتیجه‌ای خاص.

فرایند: فعل و انفعال، برقراری ارتباط اثرگذاری و اثرپذیری میان عناصر موردنظر.

برایند: نتیجه حاصل از چند اثرگذاری و اثرپذیری در متغیرها بر یکدیگر (جمع برداری).

نظریه: قضیه‌ای که از یک دستگاه معرفتی-محاسباتی به‌دست می‌آید و محتوای آن تبیین یک پدیده است.

دال مرکزی: «مقیاس هستی شبکه‌ای».

۱. دال مرکزی (Nodal point): مفهومی است که نیروی جاذبه آن، دیگرنشانه‌ها و مفاهیم داخل بحث را به خود جذب می‌کند و به آنها معنا و هویت می‌بخشد (مقدمی، ۱۳۹۰: ص ۹۹). این اصطلاح، به‌علت توانایی انتقال مفهوم

حق، خیر، سعادت: «حق» به‌عنوان یک امر وجودی = وجود ثابت مستقل و خودبنیاد؛ «حق» به‌عنوان یک امر ارتباطی میان پدیده‌ها = توانمندی که هر پدیده برای رسیدن به کمال خود و قرارگرفتن در جایگاه خود در هستی لازم دارد.

خیر = تأثیر مثبت یک عامل، برای رسیدن به هدف و سعادت = دستیابی به لذت جامع و پایدار. رشد: خروج مستمر از محدودیت‌های ادراکی و اراده‌ای و حرکت به‌سوی علم، قدرت و حیات بی‌نهایت.

نیاز: احساس تمایل و کشش به‌سوی داشتن چیزی در خود (اتحاد وجودی با منبع رفع نیاز). استحقاق و شایستگی: ایجاد موقعیت وجودی (قابلیت لازم) برای رشد. مطلوبیت: آنچه انسان را به خیر می‌رساند. بی‌نهایت: لازمه «صرف‌الوجود» بودن، نامحدود از همه ابعاد و جهات.

بدنه بحث

تلاش این مقاله برای تولید دستگاه معرفتی است که «هویت عدل و معادلات تأمین‌کننده عدالت» را تولید کند و برای دستیابی به این امر، نیازمند طی قدم‌های زیر است:

قدم اول برای تولید یک دستگاه معرفتی: تعیین پارادایم حاکم بر بحث (مبادی تصدیقی)^۱ پارادایمی که این دستگاه معرفتی مولد «فرمول محاسبه عدالت در مقیاس شبکه هستی» در آن تعریف می‌شود، پارادایم «شبکه‌ای» است. تعریف پارادایم شبکه‌ای: پارادایم شبکه‌ای، رویکرد و زاویه دید بررسی هر موضوع و مسئله در

«مرکز ثقل» در یک بحث، از فضای گفتمانی، استعاره شده است و معنای به‌کاربردن آن التزام به لوازم معرفتی آن در فضای پارادایم تفسیری هرمنوتیکی گادامری یا فوکوئی نیست.

۱. آگزیوم‌ها در یک دستگاه معرفتی، محصول پارادایمی است که بر بحث حاکم است؛ مفهوم «پارادایم» به معنی «چهارچوب معرفتی، چتر معرفتی، زیرساخت معرفتی و الگوی کلان معرفتی» است. «پارادایم» یک اصطلاح در «فلسفه علم» است و به معنی چهارچوب فکری کلان حاکم بر یک علم یا یک نظریه است؛ چهارچوبی از مبانی نظری و عناصر کلانی که برای تحلیل، سنجش، کشف و اصلاح نظریه‌های علمی به‌کار می‌رود (ر.ک.: کوهن، ۱۳۹۱).

پارادایم، در اصطلاح فلسفه علم، در فضای ذهن‌گرایانه (سوبژکتیو) قرار دارد و تلاشی برای تبیین منشأ اختلاف دیدگاه‌ها و درعین حال فعال بودن همه دیدگاه‌ها است؛ این معنا، در اینجا موردنظر نیست و فقط اراده «بسته مبانی نظری یک نظریه» از آن شده است و اینکه چرا از آن استفاده می‌شود، به جهت انس ذهنی بسیاری از مخاطبین مباحث تخصصی، با این اصطلاح و مطالبه آن هنگام ارزیابی یک نظریه است.

مقیاس کل شبکه هستی است؛ یعنی هر تحقیقی هنگامی موجّه و معتبر است که ابعاد وجودی موضوع و مسئله تحقیق در مقیاس کل شبکه هستی مورد تحلیل و ترکیب قرار گیرد (واسطی، ۱۳۹۱: ص ۵۵).

این چهارچوب فکری، ترکیبی از مبانی فکری به موارد زیر است:
 مبانی هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه، معرفت و علم‌شناسانه، جامعه و عرف‌شناسانه، روش‌شناسانه، تاریخ‌شناسانه، ارزش‌شناسانه، آینده‌شناسانه؛ دین‌شناسانه.
 تعبیر دیگری که از عناصر پارادایمی در فلسفه علم به کار می‌رود به صورت عناصر هشت‌گانه زیر است:

ماهیت واقعیت، ماهیت انسان، ماهیت علم، جایگاه ارزش در علم، دلیل انجام تحقیق، چستی نظریه، ملاک اعتبار شواهد، ملاک صحت تبیین (ایمان، ۱۳۹۰: صص ۱۱۵-۷۳).

پارادایم‌های کلان رایج در علوم انسانی، که پارادایم تجربه‌گرا (اثبات‌گرایی)، پارادایم ذهن‌گرا (تفسیری و تفهومی)، پارادایم ساختارگرا (انتقادی) هستند، هر کدام برای هر یک از عناصر کلان پارادایمی تعریف و تبیینی دارند (همان)؛ در منابع اصلی و تفسیری اسلام نیز درباره هر یک از موارد یادشده، تعریف و تبیینی ارائه شده است که با تجمیع آنها می‌توان جدول عناصر پارادایمی موردنظر اسلام را تولید کرد.

براساس پارادایم شبکه‌ای، دستیابی به یک دستگاه علمی و نظام فکری منسجم در موضوعات و علوم مختلف، موجّه و ممکن است و علوم انسانی اسلامی، در پارادایم شبکه‌ای قابل تولید هستند و پارادایم شبکه‌ای، زیرساخت تحول علوم انسانی است.

قدم دوم برای تولید دستگاه معرفتی: تعیین بسته مفاهیم پایه (مبانی تصویری)

مفهوم اولیه «عدالت» که متوازن‌سازی یا دادن حق به ذی‌حق است، یک مفهوم ترکیبی و ربطی است؛ از این‌رو، مبتنی بر مبانی تصویری پیشینی است؛ اگر با استفاده از روش «تحلیل مفهومی»^۱ به زیرساخت‌های این مفهوم عدالت نفوذ کنیم، هفت مفهوم بنیادین را خواهیم یافت. در این دستگاه

۱. روش تحلیل مفهومی، تجزیه یک مفهوم به مفاهیم تشکیل‌دهنده آن و تکرار این عمل تا رسیدن به مفاهیم بدیهی است. علم منطق و علم فلسفه تحلیلی، متکفل بیان شیوه این تحلیل هستند؛ از ابزارهای کارآمد برای این تحلیل، درخت «چیست-چیست» است که عبارت است از تکرار پرسش از هویت موضوعی که در پاسخ به سؤال اول از چیستی مفهوم موردنظر است؛ همچنین، ابزار تحلیل براساس «علل اربع» و «مقومات حرکت» در فلسفه (واسطی، ۱۳۹۱: ص ۸۸).

معرفتی، «هفت مفهوم» پایه عبارت‌اند از: «حق، خیر، نیاز، رشد، سعادت، حرکت، بی‌نهایت»^۱. جدول تعریف مفاهیم پایه هفت‌گانه^۲ در دستگاه معرفتی برای تولید عدالت و معادلات عدل‌ورزی: (متغیرهای دخیل در مسئله)^۳

ردیف	مفهوم	تعریف مختار ^۳
۱	حق	حق به‌عنوان یک امر وجودی = وجود ثابت مستقل و خودبنیاد. حق به‌عنوان یک امر ارتباطی میان پدیده‌ها = توانمندی که هر پدیده برای رسیدن به کمال خود و قرارگرفتن در جایگاه خود در هستی لازم دارد. ^۴
۲	خیر	خیر = تأثیر مثبت یک عامل، برای رسیدن به هدف خیر ذاتی (مطلوب خودبنیاد) = وقتی که هدف، بی‌نهایت و نامحدود باشد.
۳	نیاز	نیاز = احساس تمایل و کشش به‌سوی داشتن چیزی در خود (اتحاد وجودی با منبع رفع نیاز) مدل نیازها و شبکه نیازها = دسته‌بندی انواع نیازها و میزان تأثیر آنها و رابطه سطوح مختلف آن با یکدیگر. نیازسنجی = فرایند کشف نیازهای جامعه هدف، به‌طوری‌که منجر به اولویت‌بندی در برنامه‌ریزی و تخصیص منابع شود. ^۵

۱. مفاهیم دیگری مانند ارزش، صدق، و... که می‌توانند در مفهوم عدالت نقش بازی کنند، در ضمن بسته مبادی تصدیقی، در جدول عناصر پارادایم شبکه‌ای توصیف شدند.

۲. غیر از این هفت مفهوم، مفهوم «انصاف» نیز از مفاهیم پرکاربرد در مباحث عدالت است، اما این مفهوم در فضای اخلاق معنادار است و در فضای عدالت، فقط می‌تواند به جهت‌گیری اولیه عدالت کمک کند و از شاخص‌های عدالت نیست.

۳. مفهوم «قسط»، از مفاهیم هم‌نشین و جانشین برای «عدل» است، تفاوت معنایی آن دو با هم این است که قسط برای آشکارسازی عملی عدالت به‌کار می‌رود یعنی فرایندهای تحقق عدالت (ر.ک.: خسروپناه و دیگران، ۱۳۹۳).

۴. ر.ک. پایگاه اطلاعاتی مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام (isin.ir).

۵. «حق» در اصطلاح فلسفه: آنچه وجودش تابع اراده و تمایلات انسان یا دیگر مخلوقات نیست (الواقع الثابت فی نفسه)؛ «حق» در اصطلاح حقوق، فقه و اخلاق: مفهومی که از «کشش ذاتی و طبیعی یک موجود به‌سوی دست‌یافتن به اثری که سبب رفع نیاز و حرکت او به‌سوی کمال می‌شود» انتزاع می‌شود. لازمه این مفهوم، ضرورت تنظیم اراده‌های مؤثر بر «متعلق حق» است به‌طوری‌که ذی‌حق بتواند به آن دسترسی پیدا کند؛ و لازمه این ضرورت، «اعتبار تکلیف» است (یعنی تولید امر و نهی و مسئولیت در قبال آن حق).

۶. براساس صادق یا کاذب بودن نیازی که در فرد احساس می‌شود تا چیزی را داشته باشد تارفع نیازش شود و همچنین، براساس واقعی یا توهمی بودن «اثری که از آن موضوع انتظار می‌رود»، مفاهیمی مانند «حق واقعی» و «حق توهمی = باطل»، «انتظار بجا» و «انتظار نابجا» به‌وجود می‌آید.

۷. ناصر جهانیان، ۱۳۸۹: ص ۲۷۸.

۴	سعادت	کمال = به فعلیت رسیدن تمام ظرفیت وجودی یک چیز. سعادت = دستیابی به لذت جامع و پایدار ^۶ کمال مطلق = وجود بی‌نهایت سعادت = اتصال به وجود بی‌نهایت
۵	رشد	رشد = خروج مستمر از محدودیت‌های ادراکی و اراده‌ای و حرکت به سوی علم، قدرت و حیات بی‌نهایت
۶	حرکت	حرکت = تبدیل قوه به فعل معادله = تعیین کمیت، کیفیت و جهت رابطه بین متغیرهای مختلف برای تحقق یک اثر تابع = دقیق‌سازی نحوه تبعیت یک یا چند متغیر از یک یا چند متغیر دیگر با تعیین کمیت و کیفیت و جهت و بُعد ارتباطی میان آنها معادلات حرکت انسان در شبکه هستی = تعیین کمیت و کیفیت و جهت و زمان و مکان و... در ارتباطات انسان در شبکه هستی به طوری که برآیند آنها حرکت به سوی هدف موردنظر شود.
۷	بی‌نهایت	لازمه صرف الوجود بودن، وجود بدون تعیین

قدم سوم برای تولید دستگاه معرفتی: تعیین روش تحلیل و استنتاج (قاعده و قانون ترکیب مفاهیم و گزاره‌ها)

روش تحقیق، مراحل و ضوابط لازم برای کشف صحیح و تحلیل موجه اطلاعات برای حل یک مسئله است و روش تحقیق شبکه‌ای که مبتنی بر پارادایم شبکه‌ای است، مراحل و ضوابطی است که از علم فلسفه و حکمت متعالیه، برای تحلیل هر پدیده‌ای در مقیاس شبکه هستی استخراج شده است.

نتیجه قدم‌های سه‌گانه:

پارادایم شبکه‌ای + بسته مفاهیم پایه هفت‌گانه مرتبط با عدالت + روش تحقیق شبکه‌ای



دستگاه آگز یوماتیک برای تولید گزاره‌های مرتبط با عدالت
(دستگاه معرفت‌ساز شبکه‌ای)

خروجی اول از دستگاه معرفتی: تعریف عدل شبکه‌ای (خروجی اول تا ششم، «سازه» و «روابط») نظریه را تشکیل می‌دهند.

مراحل الگوریتمی تولید تعریف عدل:

۱. از بسته روش تحقیق شبکه‌ای، الگوریتم تحلیل مفهومی را اجرا کنید.
 ۲. از بسته مفاهیم پایه، تعریف مفاهیم حاصل شده را پیدا کنید.
 ۳. از بسته روش تحقیق شبکه‌ای، الگوریتم ترکیب مفاهیم را برای تولید تعریف اجرا کنید.
- توضیح:** تجزیه مفهوم اولیه عدل و رسیدن به دال مرکزی «حق» ← تجزیه مفهوم اولیه حق و رسیدن به دال مرکزی «نیاز + هدف» ← تجزیه مفهومی نیاز و هدف و رسیدن به دال مرکزی «نقص، کمال و رشد» ← تجزیه مفهومی کمال و رشد و رسیدن به دال مرکزی «فعلیت، توانمندی، امکانات»، و همچنین، رسیدن به مفهوم «خیر» ← تحلیل نوع مفهومی «عدل» و رسیدن به «ربطی و نسبتی» بودن آن، که «اعتبار دارای منشأ انتزاع حقیقی» را تولید می‌کند ← ترکیب مفهوم یافت شده با پارادایم شبکه‌ای و قواعد تولید تعریف ← نتیجه‌گیری: این نسبت باید در مقیاس شبکه هستی سنجیده شود. قضیه و تورم شماره ۱: «عدل، نسبتی میان نیازها و امکانات است که منجر به رشد مستمر پدیده‌ها در مقیاس شبکه هستی شود».

خروجی دوم از دستگاه معرفتی: مدل نیازهای شبکه‌ای

مراحل تولید:

۱. تورم شماره ۱ را در نظر بگیرید و به مرحله ۲ بروید.
 ۲. لازم مفهومی این تورم، تابع بودن «عدالت» نسبت به نیازها است.
 ۳. «نیاز» پدیده‌ای تک‌بعدی نیست بلکه انواع، مراتب و روابط درونی و بیرونی مختلف دارد؛ پس اگر بخواهیم نسبت موضوعی را با نیازها کشف کنیم، باید ابتدا «مدل» نیازها را استخراج کنیم.
 ۴. بسته پارادایم شبکه‌ای را در نظر بگیرید و با نتیجه مرحله قبل جمع کنید.
 ۵. نتیجه: مدل نیازها در صورتی جامع، مانع و دارای انسجام درونی و مبتنی بر واقعیت‌ها است که در مقیاس شبکه هستی و براساس روابط در شبکه هستی طراحی شده باشد (مدل نیازهای شبکه‌ای).
 ۶. گزاره پنجم را با گزاره دوم ترکیب کنید.
- نتیجه (قضیه و تورم شماره ۲): «عدل تابعی از محاسبه نیازها در مقیاس شبکه هستی است».

خروجی سوم از دستگاه معرفتی: مدل امکانات شبکه‌ای

مراحل تولید خروجی دوم را عیناً دربارهٔ رابطهٔ عدالت با «امکانات» اجرا کنید. نتیجه (قضیه و تئورم شماره ۳): «عدل تابعی از محاسبهٔ امکانات در مقیاس شبکه هستی است». (هم فهم امکانات، هم راهبرد دستیابی و فعال‌سازی امکانات)

خروجی چهارم از دستگاه معرفتی: مدل رشد شبکه‌ای

مراحل تولید خروجی دوم را عیناً دربارهٔ رابطهٔ عدالت با «رشد» اجرا کنید. نتیجه (قضیه و تئورم شماره ۴): «عدل تابعی از محاسبهٔ رشد در مقیاس شبکه هستی است». (هم فهم امکانات، هم راهبرد دستیابی و فعال‌سازی امکانات)

خروجی پنجم از دستگاه معرفتی: معادلهٔ «محاسبهٔ شبکه‌ای»

مراحل تولید:

۱. قید «ملاحظه در مقیاس شبکه هستی» را در تمام خروجی‌های بالا در نظر بگیرید.
۲. شکل «شبکه هستی» را در نظر بگیرید.
۳. روابط اصلی موجود در شبکه هستی را استخراج کنید.
۴. نتیجه: رابطهٔ انسان با خود، همنوع، محیط، ماورا، تقویت‌کننده‌ها، تضعیف‌کننده‌ها.
۵. اصل موضوعی زیر را که در بستهٔ هستی‌شناسانه از بستهٔ پارادایم شبکه‌ای موجود است در نظر بگیرید:

حرکت در شبکه هستی، «برایندی» است (خطی و براساس جمع جبری نیست). نتیجه (قضیه و تئورم شماره ۵): معادلهٔ محاسبهٔ شبکه‌ای عبارت است از: برایندگیری از روابط چهارگانهٔ انسان در شبکه هستی (با ملاحظهٔ تشدید یا تضعیف حرکت)

به شرط تشدید یا تضعیف بردارهای روابط چهارگانه

$$\text{حرکت در شبکه هستی} = f(a \wedge b \wedge c \wedge d) \wedge (\varphi V - \varphi)$$

خروجی ششم از دستگاه معرفتی: معادلهٔ «مطلوبیت شبکه‌ای»

مراحل تولید:

۱. مدل نیازهای شبکه‌ای، مدل امکانات شبکه‌ای را در نظر بگیرید.
۲. مفهوم «رشد» را از بستهٔ مفاهیم پایه در نظر بگیرید.

۳. مفهوم «خیر ذاتی» را از بسته مفاهیم پایه در نظر بگیرید (ملاحظه اتصال به بی نهایت).

۴. مفهوم «مطلوبیت» را از ترکیب مفهوم «نیاز» و مفهوم «خیر» استنتاج کنید.

۵. تئورم پنجم را در نظر بگیرید و با مفهوم «مطلوبیت» ترکیب کنید.

۶. نتیجه را با مدل نیازها و امکانات شبکه‌ای ترکیب کنید.

نتیجه (قضیه و تئورم شماره ۶): معادله مطلوبیت شبکه‌ای عبارت است از: برایندگیری از نیازهای انسان در شبکه هستی و منابع رفع نیاز در شبکه هستی، به طوری که برآیند، موجب رشد با میل به بی نهایت شود.

بردارهای روابط چهارگانه توانایی نیاز

$$f(N \wedge A) \wedge (a \wedge b \wedge c \wedge d) \wedge (\rightarrow \infty) = \text{مطلوبیت در شبکه هستی}$$

سازه و روابط برای تولید فرمول محاسبه «عدل شبکه‌ای»

هویت عدل شبکه‌ای ← مدل نیازهای شبکه‌ای ← مدل امکانات شبکه‌ای ← مدل رشد شبکه‌ای
 ← معادله حرکت شبکه‌ای ← معادله مطلوبیت شبکه‌ای ← خروجی هفتم.

خروجی هفتم از دستگاه معرفتی: فرمول محاسبه «عدل شبکه‌ای»

مراحل تولید:

۱. تئورم شماره یک (تعریف عدل) را در نظر بگیرید و به جای هریک از مفاهیم آن، تئورم مربوطه را جایگزین کنید.

۲. به جای مفهوم «محاسبه در مقیاس شبکه هستی» در هر کدام از مفاهیم یادشده، «معادله مطلوبیت شبکه‌ای» را جایگزین کنید.

نتیجه: (قضیه و تئورم شماره ۷): فرمول محاسبه عدل شبکه‌ای عبارت است از: مطلوبیتی که برآیند پنج مطلوبیت زیر باشد: مطلوبیت جسمی، مطلوبیت فکری روحی روانی، مطلوبیت محیطی، مطلوبیت جمعی (خانواده، محله، شهر، کشور، بین الملل) و مطلوبیت پایدار (با میل به بی نهایت)

به شرط مطلوبیت پایدار مطلوبیت‌های چهارگانه

$$F(p \wedge q \wedge r \wedge g) \wedge (\rightarrow \infty) = \text{عدل شبکه‌ای}$$

خروجی هشتم از دستگاه معرفتی: فرایند تحقق «عدالت» (براساس عدل شبکه‌ای)

۱. مرحله یک (تعیین ورودی‌ها): جدول نیازها و جدول امکانات مرتبط با موضوع مورد نظر و جدول اهداف مرتبط با موضوع را تهیه کنید.
۲. مرحله دو (تعیین خروجی): تعیین کنید که دقیقاً بر اثر رفع نیاز مورد نظر، چه اثری باید ایجاد شود؟ (با ذکر عوارض تسعه).
۳. مرحله سه (تعیین پردازش):
 - ا. صادق یا کاذب بودن نیاز مورد نظر را بررسی کنید^۱ (یا صدق ضریب اهمیت آن نیاز را در این موضوع و این موقعیت).
 - ب. روابط نیاز مورد نظر را با نیازهای دیگر بررسی کنید (اثرگذاری یا اثرپذیری از یکدیگر و میزان آن).
 - ت. کلیه منابع و امکاناتی که احتمال دارد بتوانند این نیاز را در این موقعیت برطرف کنند تشخیص دهید.
 - ث. منبع و امکانات بهینه را از بین احتمالات فوق تشخیص دهید (ضریب تأثیر فعال شدن آنها بر دیگر موجودات در درازمدت باید محاسبه شود).
 - ج. کیفیت فعال‌سازی منبع و امکانات یادشده را تشخیص دهید.
 - ح. زمینه لازم برای فعال‌سازی منبع مورد نظر را فراهم کنید.
 - خ. زمینه لازم برای برقراری ارتباط میان منبع فعال‌شده با نیاز مورد نظر را فراهم کنید (اعم از ارائه اطلاعات و دانش لازم یا رفع موانع).
 - د. فرد یا جمع مورد نظر را متوجه قرار گرفتن در موقعیت یادشده کنید ← عدالت ورزیده‌ای.^۲

۱. یکی از راه‌های تشخیص صادق یا کاذب بودن نیاز، مشاهده و استقرای وضعیت «پایه» است؛ وضعیت «پایه» یعنی هیچ‌گونه محرک خاصی از بیرون به افراد وارد نشود و افراد در یک وضعیت با اصالت طبیعی خود قرار گیرند بخشی از نظریه عدالت قراردادی «رالز» و دال مرکزی آن که «انصاف» است، به این حالت پایه اشاره دارد که به آن «وضع اصیل یا original position» می‌گویند (ر.ک. واعظی، ۱۳۸۸: ص ۲۶۱).

۲. «دیاس» از متفکران حوزه عدالت، در فرایند تحقق عدالت چنین گفته است: رعایت حق در تخصیص منابع، ممانعت از سوءاستفاده از قدرت و آزادی، رعایت حق در اختلافات و منازعات، رعایت حق در تغییرات (ر.ک. جهانیان، ۱۳۸۹: ص ۱۰۴).

خروجی نهایی: نظریه^۱ «عدل شبکه‌ای» شناسنامه نظریه

۱. مسئله اصلی نظریه: معادله اصلی تأمین‌کننده «عدالت» چیست؟
۲. مسئله زمینه‌ای: دستگاه معرفتی تولیدکننده «معادله عدالت» چیست؟
۳. فرضیه نظریه: محاسبه برآیند پنج مطلوبیت در شبکه هستی، تعیین‌کننده و تأمین‌کننده عدالت است.
۴. بستر معرفتی^۲ نظریه: رویکرد حکمت متعالیه.
۵. چهارچوب معرفتی^۳ حاکم بر نظریه: پارادایم شبکه‌ای.
۶. چهارچوب روشی حاکم بر نظریه: روش تحقیق شبکه‌ای.
۷. متغیرهای پایه در نظریه: بسته هفت مفهومی.
۸. تعریف و تفسیرهای موجود در نظریه: عدل شبکه‌ای، نیازهای شبکه‌ای، امکانات شبکه‌ای، رشد شبکه‌ای.
۹. روابط موجود در نظریه: معادله حرکت در شبکه هستی، معادله مطلوبیت در مقیاس شبکه هستی.
۱۰. تبیین موجود در نظریه: تابع بودن «عدل» نسبت به نیازها، امکانات، هدف در رشد + ضرورت محاسبه در مقیاس شبکه هستی.
۱۱. لوازم معرفتی نظریه: ضرورت تولید «مدل نیازهای شبکه‌ای»، «مدل امکانات شبکه‌ای»، «مدل رشد شبکه‌ای».
۱۲. آثار و نتایج نظریه: کلیه مفاهیمی که تابعی از عدالت هستند یا برای تحقق عدالت هدف‌گذاری شده‌اند، با قید «شبکه‌ای» معنادار می‌شوند مانند: پیشرفت شبکه‌ای، رفاه شبکه‌ای، سبک زندگی شبکه‌ای و... .

۱. نظریه، مجموعه‌ای گزاره‌ای است که حاوی تبیین چیستی، چرایی یا چگونگی یک پدیده است و از برآیند مجموعه‌ای از تعاریف، اصول موضوعه، قوانین، قضایا و توصیف‌های نوع رابطه میان متغیرها به دست آمده است. نظریه: دستگاه علمی که به تبیین چیستی، چرایی یا چگونگی یک پدیده می‌پردازد و دستگاه علمی: مجموعه‌ای حاوی تعاریف، اصول موضوعه، قوانین، قضایا و توصیف‌ها از نوع رابطه میان متغیرها (پایگاه اطلاعاتی مؤسسه مطالعات راهبردی isin.ir: مقاله روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی؛ دانایی فرد، ۱۳۸۸).

۲. بستر معرفتی - پیش پارادایم.

۳. چهارچوب معرفتی - نظریه راهنما (guide theory).

همچنین، این نظریه حاوی موارد زیر است:

- انحصار به انسان ندارد، محیط‌زیست و کلیه موجودات مرتبط با زندگی انسان را نیز در برمی‌گیرد.
- شاخص «هر چیزی حداقل باید به اندازه نیازهای ضروری‌اش بهره‌بردار و نباید بیش از توانش از او خواسته شود» را در بردارد.
- به شاخص بالا محدود نشده و به شاخص «حرکت به سوی رشد و کمال» نیز توسعه یافته است.
- شاخص «به‌فعلیت درآمدن قوا و استعدادها» را ارائه کرده است.
- میان نیازهای صادق و کاذب، قوای مثبت و منفی تمایز داده است.
- حق محور است و تقدم «حق» بر «خیر» را ملاک قرار می‌دهد (یعنی چیزی خیر است که حق مدار باشد).
- ضرورت توازن میان رعایت حقوق فرد و حقوق جمع را ارائه کرده است.
- احساس‌های حقیقی^۱ را می‌پذیرد و معیار آزمون عدالت قرار می‌دهد.
- قواعد و قوانین طبیعت را می‌پذیرد و آن را یکی از معیارهای محاسبه عدالت قرار می‌دهد.
- به آثار عملی موضوعات توجه می‌کند و آن را یکی از معیارهای محاسبه عدالت قرار می‌دهد.
- به نتایج نهایی موقعیت‌ها توجه می‌کند و آن را یکی از معیارهای محاسبه عدالت قرار می‌دهد.
- به محاسبات عقلانی در تشخیص عدالت توجه دارد و آن را یکی از معیارهای محاسبه عدالت قرار می‌دهد.
- به اراده برتر از انسان توجه می‌کند و معادلات تأمین عدالت از طرف او را می‌پذیرد.
- به کلیه منابع و امکانات در اختیار بشر توجه دارد، مانند «دانش، قدرت، ثروت، منزلت و روابط».
- به شایستگی‌ها بی‌تفاوت نیست.
- نحوه عملکرد در تعارض‌ها و تزاخم‌ها را تبیین می‌کند.^۲

۱. احساس حقیقی - احساس نوعی دارای منشأ انتزاع واقعی (نه احساس شخصی و ذهنی).

۲. در این فضا، مدل موجود در دانش فقه و حقوق و تبیین‌های موجود در دانش اصول فقه و فلسفه حقوق کفایت لازم را دارد.

• کلیه انواع عدالت را در برمی‌گیرد (عدالت فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، عدالت تکوینی، عدالت تشریحی، عدالت اخلاقی، عدالت فقهی، عدالت توزیعی،^۱ عدالت رویه‌ای، عدالت مراوده‌ای، عدالت ملموس، ...).^۲

۱۳. **رقبای نظریه:** این نظریه، یک نظریه «وجودگرا» و مبتنی بر «استحقاق» است؛ از این رو، کلیه دیدگاه‌های زیر رقیب این نظریه محسوب می‌شوند:

«دیدگاه احساس‌گرا، طبیعت‌گرا، اخلاق‌گرا، قراردادگرا، فایده‌گرا، فردگرا، وظیفه‌گرا،^۳ خردگرا، اراده‌گرا،^۴ مکتب مبتنی بر برابری» (ر.ک: جهانیان، ۱۳۸۹).

همچنین، کلیه تلاش‌های معرفتی برای توصیف، تفسیر و تبیین «عدل» که مقیاس محاسبه عدالت را بیان نکرده‌اند^۵ و معادله محاسبه عدالت را ذکر نکرده‌اند.

۱۴. **شیوه ابطال نظریه:** اگر کسی اثبات کند که حرکت انسان در هستی، برابندی از تمام ارتباطات او با متغیرهای موجود در هستی نیست، این نظریه باطل می‌شود؛ همچنین، اگر کسی ثابت کند که مفهوم عدل با نیازها و منابع رفع نیاز و رشد انسان ارتباطی ندارد این نظریه باطل می‌شود.

۱۵. **روش ویرایش و گسترش نظریه:** بازنگری در بسته مفاهیم پایه به هدف کشف متغیرهای احتمالی دیده نشده + توصیف تفصیلی مدل نیازهای شبکه‌ای، مدل امکانات شبکه‌ای، مدل رشد شبکه‌ای + تعیین وزن برای متغیرهای دخیل در معادله مطلوبیت شبکه‌ای.

۱. عدالت توزیعی، منعکس‌کننده انصاف قابل ادراک از تخصیص منابع است؛ عدالت رویه‌ای منعکس‌کننده انصاف قابل ادراک از فرایندها است و عدالت مراوده‌ای منعکس‌کننده انصاف قابل ادراک از روابط سازمانی است (ر.ک.: پورعزت، ۱۳۸۳، مقاله شهر عدل و دولت هوشمند، نشریه پیام مدیریت، شماره ۱۲).

۲. عدالت‌های مضاف، حداقل پنجاه عدد هستند، به تعداد سیستم‌های کلان برای تحقق یک تمدن (فهرست کامل این پنجاه کلان سیستم را در پایگاه اطلاعاتی isin.ir ملاحظه کنید).

۳. وظیفه‌گرایی: نظریه‌ای که معتقد است خوبی و بدی کارها، تابع انگیزه و نیت درونی افراد است نه خروجی و نتیجه کار آنها (ر.ک.: مصباح، ۱۳۸۶). نکته اینکه در منازعه میان وظیفه و نتیجه می‌توان نظریه «وظیفه‌گرایی نتیجه‌محور» را مطرح کرد؛ یعنی انسان موظف است طوری عمل کند که با کمترین هزینه، به بیشترین کمیت و کیفیت برسد و اگر بدون افراط و تفریط، به نتیجه نرسید در حقوق و اخلاق، مانند کسی است که به نتیجه رسیده باشد.

۴. اراده‌گرایی: عقیده به اینکه منشأ پیدایش حقوق، اعتبار معتبر و اراده او است حتی اگر کاری طبق خرد و قوانین طبیعی باشد ولی تا اراده‌ای بر عمل طبق آن نباشد، حقی شکل نخواهد گرفت. اگر این اراده‌گرایی با حکمت جمع شود و اراده حکیمانه را حاصل کند، به اندیشه شیعی نزدیک می‌شود (ر.ک.: جهانیان، ۱۳۸۹: ص ۱۱۵).

۵. فقط به عدالت قالبی formal پرداخته‌اند و معیار محتوایی بیان نکرده‌اند.

آزمون «کفایت و قابلیت انتاج» در نظریه «عدل شبکه‌ای»

قابلیت این نظریه در پاسخ‌گویی به مسائل مرتبط با حیطه عدالت و قابلیت تولید مسائل جدید را در چند نمونه بررسی می‌کنیم:

مسئله ۱. آیا قانون X عادلانه است؟

پاسخ: هر قانونی، الزام فعال‌سازی منبع و امکاناتی برای رفع نیازی است؛ بنابراین، اگر اول، ضریب دسترسی و ضریب تأثیر منبع و امکانات موردنظر محاسبه شده باشد؛ دوم، اگر صادق بودن آن نیاز و گستره و عمق نیاز موردنظر و ضریب اهمیت آن محاسبه شده باشد؛ سوم، اگر ضریب تأثیر آن بر دیگر موجودات و قوانین محاسبه شده باشد و چهارم، اگر میزان ماندگاری و پایداری قانون موردنظر محاسبه شده باشد، آنگاه قانون X عادلانه است.

مسئله ۲. آیا عدالت به معنی «تساوی مطلق» صحیح است؟

پاسخ نظریه به این مسئله: «عدالت تابعی از نیازها است و به علت تفاوت افراد در نیازها و سطوح آن، باید امکانات رفع نیاز متناسب با آن در نظر گرفته شود، پس تساوی مطلق، جز در نیازهای کاملاً مشترک با موقعیت کاملاً مشترک در استفاده از امکانات معنادار نیست».

این نظریه می‌تواند به سؤالات زیر^۲ پاسخ «منطقی، منسجم، منصفانه، منطبق با ارزش‌های پایه انسانی و رشد‌دهنده» دهد:

۱. عدالت هدف نهایی است یا هدف میانی^۳؟

۲. معنای عدالت اجتماعی و عدالت سیاسی چیست^۴؟

۳. لیبرالیسم عادلانه است یا سوسیالیسم یا کمونیسم یا ...؟ (منشأ یک مدل حکومتی)^۵.

۱. بررسی شاخص قدرت تفسیر، تبیین و توجیه و تولید شواهد در یک نظریه.

۲. سؤالات مرتبط با فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، فلسفه اخلاق، فلسفه اجتماع، فلسفه تاریخ.

۳. عدالت، معادله حرکت انسان در شبکه هستی به سوی هدف است؛ بنابراین، نمی‌تواند هدف نهایی باشد.

۴. عدالت اجتماعی: تخصیص منابع قابل دسترس برای رفع نیازهای کل جامعه به طوری که برآیند آن رشد کلان اجتماع باشد (هیچ حرکتی مانع حرکت تک‌تک افراد نشود و حرکت تک‌تک افراد سبب توقف یا از بین رفتن دیگران نشود).

عدالت سیاسی: تخصیص منابع قدرت، قانون و اعمال حاکمیت به افرادی که توانایی محاسبه و اجرای معادله عدالت را دارند.

۵. مدلی از حکومت عادلانه است که بتواند هم سطوح نیازها در مقیاس فردی و هم سطوح نیازها در مقیاس اجتماعی را در معادله محاسبه عدالت تشخیص دهد و اجرا کند؛ بنابراین، مدل حاکمیت با آزادی حداکثری فردی

۴. چرا باید به افراد فقیر کمک کرد؟^۱
۵. حداکثری بودن قوانین عادلانه است یا حداقلی بودن آنها؟ یا هیچ کدام؟!^۲
۶. آیا تقسیم قوا در حکومت عادلانه است؟^۳
۷. آیا مراجعه به رأی اکثریت در تصمیمات کلان اجتماعی عادلانه است؟^۴
۸. آیا حاکمیت اکثریت بر اقلیت عادلانه است؟^۵
۹. آیا عدالت به معنی «ایجاد فرصت‌های برابر» صحیح است؟^۶
۱۰. آیا جهانی سازی، عادلانه است یا منطقه‌ای بودن؟ یکپارچگی فرهنگی یا چندفرهنگی بودن؟^۷
۱۱. آیا هر کسی حق دارد هر عقیده‌ای را برای هر مخاطبی در هر شرایطی بیان کند؟^۸

و دولت حداقلی، و مدل حاکمیت با آزادی حداقلی فردی و دولت حداکثری، ناعادلانه است و مدل حاکمیت با تعریف محدوده آزادی فردی براساس معادله مطلوبیت پنج‌محوره، عادلانه است.

۱. پاسخ: تأثیر تفکر، احساس و رفتار افراد در شبکه هستی بر دیگر متغیرها در همین شبکه سبب می‌شود با قرارگرفتن افراد فقیر در موقعیت‌های فشار، افکار، روحیات و رفتارهایی در آنها ایجاد شود که هم در لایه روابط اجتماعی و هم در لایه روابط غیرمادی، سبب افزایش محسوس ریسک زندگی راحت در افراد ثروتمند شود (رابطه بر، صدقه، احسان، ... با افزایش رزق و آرامش).

۲. تعداد قوانین ملاک عادلانه یا غیرعادلانه بودن نیست بلکه قوانین عادلانه قوانینی است که معادله مطلوبیت پنج‌محوره در آن محاسبه شده باشد و البته هرچه قوانین کمتر باشند قابل اجراتر خواهند بود.

۳. حکومت و اعمال حاکمیت، نیازمند محور واحد در تصمیم‌گیری‌ها و اجرا است و شکل‌گیری قدرت‌های موازی در تصمیم‌گیری و اجرا سبب تعارض و تزاخمی می‌شود که حکومت را فرو می‌پاشد، تقسیم کار در فضای کلان اجتماعی به صورت قوای مختلف، قابل پذیرش و لازم است ولی تصمیم‌گیری نهایی نیازمند ایجاد برابری متمرکز است؛ ازاین‌رو، تفکیک قوا به معنی ایجاد قدرت‌های موازی ناعادلانه است.

۴. رأی‌گیری یک انتخاب است، ارزش هر انتخابی به میزان آگاهی فرد از حقایق بستگی دارد (حق محوری در انتخاب‌ها)، آگاهی افراد از امور مختلف اجتماعی متفاوت است؛ بنابراین، مراجعه به آرای عمومی در موضوعاتی که نیاز به اطلاعات خاص دارد، ناعادلانه است (عدم تناسب منابع و امکانات با نیاز موردنظر)؛ البته افراد تحت حاکمیت می‌توانند حاکمیت تعیین شده توسط نخبگان را بپذیرند یا نپذیرند (مکانیزم بیعت).

۵. اگر اکثریت، دارای دانش و قدرت لازم برای تشخیص نیازها و امکانات و فعال‌سازی معادله تأمین‌کننده عدالت است، حاکمیت آنها عادلانه است (عادلانه بودن حاکمیت، تابعی است از میزان دانش و توانایی حاکمان).

۶. عدالت تابعی است از نیازها و امکانات؛ ازاین‌رو، اگر فرصت‌های برابر برای توان‌های نابرابر با نیازهای نابرابر ایجاد شود، ناعادلانه است و صرف ایجاد فرصت‌های برابر سبب تحقق عدالت نیست.

۷. جهانی سازی فقط در صورتی که به معنی برقراری ارتباط حداکثری میان منابع و امکانات برای هم‌افزایی در جهت رفع حداکثری نیازها است، عادلانه است.

۸. اگر عقیده فرد به عنوان یک دانش که از منابع و امکانات بشر شمرده می‌شود سبب رفع نیاز صادق او شود و رشد در مقیاس شبکه هستی ایجاد کند، بیان آن عادلانه و حق است و هرگونه اظهار عقیده که در پاسخ به نیازی کاذب باشد و در معادله مطلوبیت پنج‌محوره معنا دار نشود، ناعادلانه و ظلم است.

۱۲. آیا هر کسی حق دارد هر چیزی را که تشخیص داد طبق آن عمل کند؟^۱
۱۳. آیا هرگونه توافق بدون اکراه، می‌تواند عادلانه باشد؟^۲
۱۴. تناسب جرم و مجازات در چه صورت عادلانه است؟^۳
۱۵. آیا ملاحظه نسل‌های آینده با وجود کمبود برای نسل فعلی عادلانه است؟^۴
۱۶. در هنگام کمبود منابع، مدل عادلانه برای توزیع منابع چیست؟^۵
۱۷. آیا اصل سلسله‌مراتب مدیریتی عادلانه است؟^۶
۱۸. آیا نهادگرایی و ساختارگرایی عادلانه است یا رفتارگرایی؟^۷
۱۹. آیا بیت‌المال (بودجه کشور) باید به‌طور یکسان به مردم تخصیص داده شود؟^۸
۲۰. آیا پاداش کلان به مدیران سودده، عادلانه است؟ (تخصیص مبتنی بر نتیجه عملکرد عادلانه)

۱. اگر تشخیص او در دستگاه محاسبه مطلوبیت پنج‌محوره معنادار است، خروجی آن حق و حرکت به سمت رشد و عادلانه است و در غیر این صورت به‌سمت ظلم حرکت کرده است.

۲. توافقی عادلانه است که در دستگاه محاسبه مطلوبیت پنج‌محوره معنادار شده باشد و صرف تمایل طرفین برای عادلانه‌بودن کفایت نمی‌کند.

۳. جرم: کاری که سبب اخلال در رفع نیازهای صادق افراد یا گروه‌ها یا کل جامعه می‌شود؛ و محاسبه آن تابعی از میزان اخلال ایجاد شده در معادله مطلوبیت پنج‌محوره است (صرف یک شخص بودن طرفی که مورد جرم قرار گرفته است، برای محاسبه کفایت نمی‌کند بلکه تأثیرات این جرم بر این یک نفر، باید در کل شبکه هستی محاسبه شود).

۴. برداشت از منابع به‌میزان رفع حداقل نیازهای بالفعل و صادق، به‌طوری که توفقی در رشد‌های حداقلی افراد و جامعه را ایجاد نکند، عادلانه است، گرچه به‌نظر بیاید که برای نسل بعدی که هنوز نیامده‌اند و نیاز بالفعلی ندارند امکاناتی باقی نخواهند ماند. البته انتخاب اختیاری افراد برای حداقل‌سازی مصرف، و قرارگرفتن در فضای اخلاقی، مطلوب است (به‌شرطی که مانع رشد نشود بلکه به‌واسطه روحیه‌ایثار ایجاد شده بتواند رشد بیشتری در مقیاس شبکه هستی داشته باشد).

۵. اولویت به نیازهای حیاتی + اولویت به فعال‌سازی یا تولید منابع رفع نیاز.

۶. اگر براساس توانایی فعال‌سازی منابع و رسیدن به حداکثر رفع نیاز، و توان علمی و عملی برای تحقق معادله مطلوبیت پنج‌محوره باشد، عادلانه است (دسترسی به قدرت براساس شایستگی‌ها).

۷. بدون ساختارگرایی و نهادگرایی نمی‌توان روابط متغیرها در مقیاس کلان را شناسایی، محاسبه و اجرا کرد، لذا اکتفا به رفتارگرایی ناعادلانه است و از سوی دیگر، ساختاری که توان تولید رفتارهای منطبق با عدل شبکه‌ای را ندارد، غیرعادلانه هستند.

۸. در رفع نیازهای اولیه، هیچ تفاوت حقوقی میان هیچ‌یک از افراد نیست (انتخاب آگاهانه و اختیاری برای ایشار، در فضای اخلاقی معنادار است)؛ از این رو، باید بین همه به‌طور یکسان توزیع شود. در تعارض نیازهای حیاتی، نیاز به امنیت اولویت اول است، سپس نیاز به غذای پایه و سپس نیاز به سلامت پایه. در سطح دوم، برای رفع نیازهای سطوح بالاتر، بودجه باید به ایجاد فرصت‌های برابر برای توانمندسازی و مهارت‌سازی جهت کار و زندگی اختصاص یابد و در سطح سوم، برای ایجاد بیشترین منابع و امکانات و بهترین بهره‌وری از آنها، اولویت بودجه به افراد امین و دارای دانش و مهارت بیشینه‌سازی منابع و بهره‌وری تعلق می‌گیرد.

- است یا مبتنی بر میزان تلاش؟^۱.
۲۱. آیا ایجاد فضای رقابت عادلانه است؟^۲
۲۲. آیا واگذاری قیمت به مکانیزم بازار عادلانه است؟^۳
۲۳. آیا کوتاه آمدن در برابر ظلم شخصی عادلانه است؟^۴
۲۴. آیا دروغ مصلحت‌آمیز عادلانه است؟^۵
۲۵. آیا صدقه دادن به متکدیان عادلانه است؟^۶
۲۶. آیا اخراج کارگر یا کارمند، به سبب نارضایتی شخصی کارفرما خلاف عدل است؟^۷
۲۷. آیا حکم قاضی صرفاً بر اساس مستندات، با وجود علم قاضی به بی‌گناهی یا گناهکار بودن متهم عادلانه است؟^۸
۲۸. آیا ایجاد انحصار در بازار غیر عادلانه است؟^۹

۱. اگر واقعاً عملکرد مدیری به واسطه دانش یا توانمندی او سبب افزایش سود شود، به طوری که در همان موقعیت، فرد دیگری نمی‌تواند چنین سودی را حاصل کند، بر اساس تبعیت عدل از میزان فعال‌سازی امکانات و ایجاد نیاز به احترام (تشکر) در فعال‌کننده، پاداش متناسب با این میزان فعال‌سازی، عادلانه است و عمل برخلاف آن مصداق «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ» خواهد بود.
۲. به پاسخ سؤال «فرصت‌های برابر» مراجعه شود (سؤال ۹).
۳. مکانیزم بازار یعنی: رهاسازی افراد با توانمندی‌های نابرابر برای رقابت؛ از این رو، واگذاری قیمت به بازار، ظلم به ناتوانان است اما واگذاری قیمت به بازاری با این خصوصیت که افراد با قابلیت نسبتاً مساوی در شرایط نسبتاً مساوی با یکدیگر رقابت کنند، عادلانه و ضروری است تا به واسطه رقابت، رشد در بازار ایجاد شود.
۴. اگر سبب تأثیر بر دیگر متغیرها در مقیاس شبکه هستی شود به طوری که در حق آنها ظلمی فعال شود ولو در آینده قابل پیش‌بینی، صرف‌نظر کردن از تلاش برای رفع ظلم شخصی، ناعادلانه است.
۵. اگر سبب رفع نیازهای پایه حیاتی که موجب حفظ نفس و تبعیت از حقیقت است می‌شود، و ضروری در همان سطح از نیازها به دیگران وارد نمی‌کند، عادلانه است (یعنی در معادله مطلوبیت پنج‌محوره معنادار می‌شود).
۶. روشن است که اگر متکدی، فقیر واقعی است یعنی نمی‌تواند نیازهای اولیه‌اش را برطرف کند، کمک به او عادلانه، بلکه تکلیف است، اما وقتی در معادله مطلوبیت پنج‌محوره آن را بررسی می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که این فرد نباید در فضای عمومی به گدایی پردازد و صدقه دریافت کند بلکه باید به ساختار و نهاد متکفل این امر معرفی و متصل شود تا تکدی او در فضای عمومی سبب اختلال در فعال بودن افراد در کار نشود.
۷. اگر قید نارضایتی شخصی، بیانگر نبود عامل مؤثر بر فرایند کار، در کارگر اخراج شده است، با وجود نیاز این کارگر به درآمد کارش و نبود جایگزین برای این کار، این اخراج (با این سه شرط) ناعادلانه است و در غیر این صورت به تمایل کارفرما واگذار شده است.
۸. با توجه به معادله عدل شبکه‌ای، از آنجا که تأثیر عمل قاضی به علم خودش، منحصر در این یک مورد نخواهد ماند و به دیگر موارد نیز گسترش پیدا خواهد کرد و آنچه گسترش پیدا کند ضریب حساسیتش می‌تواند کاهش پیدا کند و سبب صدور احکامی بر اساس صرف گمان شود؛ از این رو، عمل قاضی به علم خودش برای دادگاه، ناعادلانه است و البته عمل قاضی به علم خودش برای ارتباطات شخصی با متهم نافذ است.
۹. انحصاری که سبب شود دیگر افراد نتوانند حتی با حداکثر تلاش رشد کنند برخلاف عدل شبکه‌ای است.

۲۹. آیا تأسیس مدارس که شهریه می‌گیرند، عادلانه است؟^۱
۳۰. هنگام بروز خطر برای چند نفر و قرارگرفتن در موقعیت نجات‌دادن فقط یک نفر، ملاک عادلانه بودن تصمیم ما چیست؟^۲
۳۱. آیا مجازات فردی که اقدام به جرم کرده ولی موفق به انجام آن نشده است، عادلانه است؟ یا رها ساختن او؟^۳
۳۲. آیا مجازات اعدام عادلانه است؟^۴
۳۳. آیا عطف‌نشدن قانون به ماسبق عادلانه است؟^۵
۳۴. عدالت در فضای استعمالات زبانی چگونه است؟^۶
۳۵. آیا فمینیسم عادلانه است؟^۷
۳۶. آیا تقسیم مساوی ارثیه عادلانه است؟^۸
۳۷. آیا تکلیف به نفقه عادلانه است؟^۹
۳۸. آیا جنگ‌های پیشگیرانه عادلانه است؟^{۱۰}

۱. در صورتی که نیاز جامعه با خدمات آموزشی دولتی برآورده نمی‌شود، تأسیس این مدارس که سبب رفع نیاز طیفی از جامعه می‌شود، مانند برخورداری از امکانات بیشتر در زندگی، عادلانه است و شرط انصاف این است که در مدارس دولتی، تلاش برای حفظ کیفیت در سطح مدارس ملی صورت پذیرد.
۲. آنکه مسئولیت حفظ او بر عهده ما است مانند فرزند غیربالغ، و در غیر این صورت، نجات آنکه بهره‌مندی جامعه از او بیشتر از بقیه خواهد بود.
۳. این فرد، به‌علت عدم ایجاد اثر مخرب نسبت به دیگری، مستحق مجازات آن جرم نیست؛ ولی به‌علت ایجاد روحیه‌ای که اگر رهاسازی شود سبب تخریب‌های قابل پیش‌بینی عقلایی خواهد شد، باید مجازاتی مناسب روحیه غلطش شود.
۴. اگر مربوط به جرائمی است که در صورت گسترش، خطر حیاتی برای جامعه ایجاد می‌کنند و این مجازات بازدارندگی ایجاد می‌کند، عادلانه است.
۵. قوانین پایه همیشه جاری هستند ولی قوانینی که به‌خاطر مدیریت شرایط در یک مقطع وضع می‌شوند مربوط به آن شرایط هستند و سرایت آن به شرایط قبلی، عادلانه نیست و اگر کسی در شرایطی مشابه شرایط جدید بوده است با مجاری قانونی دیگر باید استیفای حق خود را بنماید.
۶. مواردی مانند: دور بودن کلمات از خدشه به نیاز احترام در انسان‌ها، ملاحظه میزان توانایی زبانی فرد برای احقاق حق خویش، پیرایش زبان از تعابیری که ظلم‌پذیری را القا می‌کند (ر.ک. مقاله مفهوم‌شناسی تطبیقی عدالت زبانی، کوکب فائز به‌همراه ۴ مشاوره، فصلنامه زبان و ادبیات تطبیقی، شماره ۹).
۷. باوجود تفاوت میان مرد و زن، یکسان‌سازی حقوق و تکالیف آنها (غیر از حقوق و تکالیف پایه انسانی) ناعادلانه است؛ و تمایز براساس توان و نیازها عادلانه است مثلاً کاهش بهره‌مندی زن از ارث، در برابر معاف‌بودن او از نفقه است.
۸. در سؤال بالا پاسخ داده شد.
۹. باتوجه به خصوصیات و صفات طبیعی زن و نیاز او به آرامش و بهره‌ای که به مرد می‌دهد، تکلیف به نفقه، عادلانه است.
۱۰. در صورت قطعی بودن حمله دشمن و ایجاد تلفات و خسارات از دو طرف، بیشتر از حمله پیشگیرانه، این حمله، عادلانه است.

۳۹. آیا شیوه نگهداری اسرای جنگی عادلانه است؟^۱

۴۰. آیا رهاکردن یک گربه در حال غرق شدن، به دلیل دیر نرسیدن سر یک قرار (التزام به تعهد)،

عادلانه است؟^۲

۴۱. آیا اوتانازی (مرگ از روی ترحم) و اوتونومی عادلانه است؟^۳ (صرف هزینه برای مواردی

که هیچ بهره ظاهری ندارند).

نتیجه گیری و پیشنهاد

انسان در شبکه متعامل هستی زندگی می کند و برای اینکه بتواند لمس و احساسی را در درون خود ایجاد کند مجبور است عوامل و متغیرهای فردی (بدنی، فکری، احساسی) و جمعی مرتبط با موقعیت خود را تنظیم کند؛ بر این اساس، بدون برنامه برای زندگی فردی و جمعی از رسیدن به هدف محروم خواهد شد؛ چگونگی تنظیم متغیرهای یادشده، نیازمند اطلاع از متغیرهای ماورایی و کمیّت و کیفیت تأثیر آنها در متغیرهای دنیایی است؛ ادیان، با احاطه بر این متغیرها، برای حرکت انسان به سوی این هدف، دستورالعمل هایی داده اند؛ این دستورالعمل ها بر ایند حرکت انسان را در شبکه هستی، به سوی هدف که لقاءالله است قرار می دهد؛ چنین برآیندسازی به وجود آورنده عدل است.

اگر شاخص ها و فرایندهای تحقق «عدالت فردی، عدالت جمعیتی، عدالت عقلانی، عدالت علمی، عدالت برنامه ای، عدالت اجتماعی، عدالت محیط زیست، عدالت سلامت، عدالت آموزش و کلیه عدالت های مضاف...»، براساس «فرمول عدل شبکه ای» تعیین شوند، الگوی پیشرفت عادلانه رقم خواهد خورد. والحمدلله رب العالمین.

۱. شیوه ای در نگهداری زندانیان و اسرای جنگی عادلانه است که بیشترین امکان برای برطرف شدن بیشترین نیازهای شان فراهم شود و نسبت به نیازهای اولیه حیاتی در مضیقه نباشند با ملاحظه اینکه این افراد تخریب گر بوده اند و باید تغییرات در رفتارهای شان ایجاد شود.

۲. محاسبه عادلانه بودن یا نبودن این کار بستگی دارد به میزان تخریبی که دیررسیدن به تعهد برای فرد ایجاد می کند. اگر او را از نیازهای حیاتی اولیه محروم می کند، نجات ندادن گربه، عادلانه است و الا نجات یک نفس حتی حیوانی اولویت دارد و این نفس حیوانی در مقیاس شبکه هستی، بر زندگی این فرد انسانی تأثیر مثبت یا منفی خواهد گذاشت.

۳. روح یک پیرمردی که به اغمای بدون بازگشت رفته، هنوز در این عالم است و جریان انرژی روح او هنوز فعال است و بر دیگر متغیرها در هستی تأثیر می گذارد و کسی می تواند این را تغییر دهد که به تعادل و برآیند کلیه جریانها در شبکه هستی واقف باشد؛ از این رو، اوتانازی و اوتونومی عادلانه نیست.

کتابنامه

- ارسطو. ۱۳۳۷. سیاست. مترجم عنایت حمید. تهران: نشر نیل.
- ایمان، محمدتقی. ۱۳۹۰. مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پورعزت، علی اصغر. ۱۳۸۳. «شهر عدل و دولت هوشمند». چشم‌انداز مدیریت بازرگانی. تابستان. صص ۱۶۲-۱۴۳.
- پوپر، کارل. ۱۳۷۰. ترجمه احمد آرام. منطق اکتشاف علمی. تهران: انتشارات سروش: صص ۷۷-۷۵.
- جهانیان، ناصر. ۱۳۸۹. «نظریه جامع عدالت». فلسفه دین. تابستان. صص ۱۳۳-۹۷.
- خاکبان، سلیمان. ۱۳۹۲. «نظریه راهنما، یا هندسه نیازهای صادق، یا نقطه آغاز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- خسروپناه، عبدالحسین؛ عزت‌پور، علی اصغر و محمدنژاد چاوشی، حبیب. ۱۳۹۳. «وسعت معنایی عدالت در قرآن». فصلنامه مطالعات تفسیری. بهار. صص ۴۹-۷۴.
- دانایی‌فرد، حسن. ۱۳۸۸. «روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی». روش‌شناسی علوم انسانی. بهار: صص ۳۲-۷.
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی. ۱۳۸۱. تئوری نظم در بی‌نظمی و مدیریت. تهران: بی‌نا.
- علامه حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین. ۱۳۶۰. معادشناسی. تهران: انتشارات حکمت.
- علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۹۳. المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- فائز، کوکب و غیره. ۱۳۹۱. «مفهوم‌شناسی تطبیقی عدالت زبانی». نشریه جستارهای زبانی. دوره ۳ شماره ۱.
- کلینی، یعقوب. ۱۴۲۹ق. الکافی. قم: دارالحدیث.
- کوهن، توماس. ۱۳۹۱. ساختار انقلاب‌های علمی. مترجم سعید زیباکلام. تهران: انتشارات سمت.
- لاریجانی، علی. ۱۳۸۳. روش ریاضی در فلسفه کانت. تهران: دانشگاه تهران.
- مصباح، مجتبی. ۱۳۸۶. فلسفه اخلاق. قم: مؤسسه امام خمینی.
- مقدمی، محمدتقی. ۱۳۹۰. «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن». فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی. شماره ۶.
- نراقی، ملامهدی. ۱۳۸۳ق. جامع السعادات. نجف اشرف: جامعه النجف الدینیة.
- واسطی، عبدالحمید. ۱۳۹۱. راهنمای تحقیق با اقتباس از نگرش اسلام. مشهد مقدس: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- _____ ۱۳۹۱. نگرش سیستمی به دین. مشهد مقدس: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- واعظی، احمد. ۱۳۸۸. نقد و بررسی نظریه‌های عدالت. قم: مؤسسه امام خمینی.